



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران



تقویم و روز شمار ماه محرم

- ۱ محرم الحرام: آغاز سال هجری قمری، محاصره پیامبر (صلی الله علیه وآله) و بنی هاشم در شعب ابیطالب (سال ۷ بعثت)
- ۲ محرم الحرام: ورود امام حسین (علیه السلام) به کربلا (سال ۶۱ ه.ق)
- ۳ محرم الحرام: ورود عمر بن سعد به کربلا (سال ۶۱ ه.ق)
- ۴ محرم الحرام: سخنرانی عبيدالله بن زیاد علیه امام حسین (علیه السلام) در مسجد کوفه (سال ۶۱ ه.ق)
- ۶ محرم الحرام: اولین محاصره فرات در کربلا (سال ۶۱ ه.ق)
- ۷ محرم الحرام: بستن آب بر اهل بیت (علیهم السلام) (سال ۶۱ ه.ق)
- ۸ محرم الحرام: قحط آب در کاروان امام حسین (علیه السلام) (سال ۶۱ ه.ق)
- ۹ محرم الحرام: ورود شمر بن ذی الجوشن به کربلا (سال ۶۱ ه.ق)، تاسوعای حسینی
- ۱۰ محرم الحرام: واقعه جانگداز عاشورا در کربلا (سال ۶۱ ه.ق)
- ۱۱ محرم الحرام: حرکت کاروان اسرا از کربلا (سال ۶۱ ه.ق)
- ۱۲ محرم الحرام: شهادت حضرت امام سجاد (علیه السلام) (سال ۹۵ ه.ق)
- ۲۳ محرم الحرام: تخریب حرم عسکریین (علیهم السلام) در سامراء (سال ۱۴۲۷ ه.ق)

قال الصادق عليه السلام

مَمْنِ عَيْنٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ وَلَا عَبْرَةَ مِنْ

عَيْنِ بَكَتْ وَدَمَعَتْ عَلَيْهِ

نزد خدا هیچ چیز محبوب تر نیست از چشمی که گریه کند

و اشکی که برای حسین عليه السلام جاری شود.

(کامل الزیارات، ص ۸۱)

در این شماره اسوه می خوانیم:

شهید «عبدالحسین پرونی» از قاب اسوه	نقشه راه عاشورا برای همه تاریخ
شست و شوی دست	افراشته کردن بیرق های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم
می گویند چرا ماتم و گریه و اشک را در بین مردم رواج می دهید؟	در رئای یک قهرمان بگریید
سیاست کناره گیری و سکوت	سبک زندگی کوثری (قسمت بیست و سوم: سوره کریمه لیل)
کلام اول ما شما امید و چه خوب آن لحظه آخر	توبیت در محیط خانواده (قسمت سی و ششم)

نقشه راه عاشورا برای همه تاریخ

فخری مرجانی

بیش از هزار سال از نهضت عظیم حسینی گذشته است؛ اما بر دل شیعیان حسین (علیه السلام) چه می‌گذرد و چه اتفاقی در عالم حقیقت می‌افتد که هنوز که هنوز است، بوی محرم، داغ آن‌ها را تازه می‌کند؛ گویی همین امروز امام‌شان را مظلومانه به شهادت رسانده‌اند.

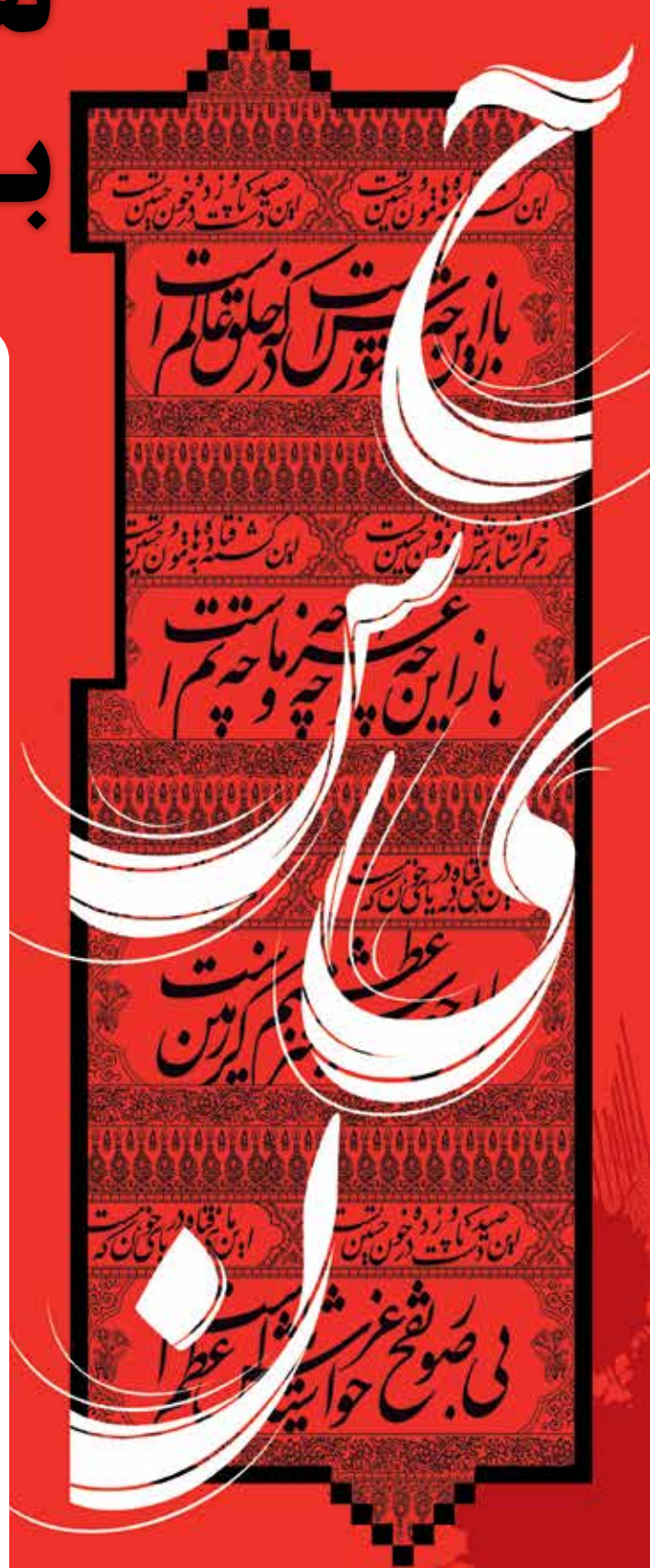
او که آمده بود تا جامعه را با امر به معروف و نهی از منکر طبق سیره جدّ و پدر بزرگوارش اصلاح کند؛ آیا اصلاح جامعه، آیا امر به معروف و نهی از منکر به کام بعضی کوردلان تا این اندازه ناگوار است؟ چه مَه‌ری بر دل‌ها می‌خورد که تاب تحمل امر به معروف و نهی از منکر را ندارند؟ چه بر دل‌ها می‌گذرد که جای معروف و منکر را تغییر می‌دهند؟ چه مَه‌ری بر عقل‌ها می‌خورد که مقابل حق می‌ایستند؟

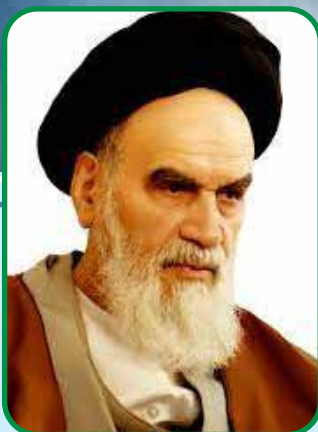
همیشه تاریخ، عده‌ای کوردلانه و کورکورانه با امور خدا مخالف بوده و هستند. چه خفقانی در عصر امام زین‌العابدین (علیه السلام) وارد شد که آن امام عظیم‌الشأن به جای اینکه مردم گروه‌گروه به او بپیوندند و مقابل ظلم ظالمان بایستند، تقیه پیشه گرفت و فقط با نقل احادیث کوشید و وظایف امامت و اهداف اصلاح‌طلبانه پدر بزرگوار خویش را تداوم بخشد؟

می‌گویند او نخستین امامی است که زهد مطلق را روش زندگی خود قرار داد، در هیچ جنگ و اختلافی وارد نشد، در هیچ امری از امور دنیا دخالت نکرد و مسیر ویژه‌ای برای مؤمنان پس از خود گشود که پیش از ایشان وجود نداشت و آن دعاها و مناجات‌های مخصوص ایشان است. می‌گویند مجموعه نیایش‌های ایشان پیام‌آور معنویت در جهان است. می‌گویند با نکته‌سنجی و موقعیت‌شناسی و بهره‌گیری از شیوه‌های نو و کم‌سابقه تبلیغی، غیر از آنکه توانست حرکت عدالتخواه امام حسین (علیه السلام) را زنده نگه دارد، رشته پیوند میان امام و مردم را نیز به خوبی حفظ کرد و مسیر رشد و پیشروی مکتب شیعه را هر چه بیشتر همواره ساخت.

امام سجاد (علیه السلام) در آن خفقان خفه‌کننده تاریخ امامان شیعه، نقشه راه ترسیم کرد؛ نقشه راه عاشورا.

مگر نه اینکه «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» است؛ امروز بهترین فرصت برای آماده‌سازی مردم جهت ظهور منجی عالم بشریت است. از نقشه راه عاشورا که امامان شیعه ترسیم کردند، باید نقشه راه برای ظهور ترسیم کرد. هدف یکی است، دشمن یکی است؛ روش رسیدن به هدف را باید ترسیم و تبیین کرد.





افراشته کردن بیرق‌های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم

اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی‌مقام سیدالشهدا (علیه‌السلام) است باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند، و با اتکا به قدرت الهی، ریشه‌های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را قطع نمایند. که ماه محرم، ماه شکست قدرت‌های یزیدی و حیل‌های شیطانی است. مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه با شکوه‌تر و فشرده‌تر برپا شود و بیرق‌های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود.

در رثای یک قهرمان بگریید

این رثاء و مصیبت نباید فراموش بشود، این ذکری، این یادآوری نباید فراموش بشود و باید اشک مردم را همیشه بگیرید، اما در رثای یک قهرمان. پس اول باید قهرمان بودنش برای شما مشخص بشود و بعد در رثای قهرمان بگریید، وگرنه رثای یک آدم نفله شده بیچاره بی دست و پای مظلوم که دیگر گریه ندارد، و گریه ملتی برای او معنی ندارد. در رثای قهرمان بگریید برای اینکه احساسات قهرمانی پیدا کنید، برای اینکه پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم تا اندازه‌ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالتخواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید، شما هم آزادخواه باشید، برای آزادی احترام قائل باشید، شما هم سرتان بشود که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسانیت یعنی چه، کرامت یعنی چه. اگر ما صفحه نورانی تاریخ حسینی را خواندیم، آن وقت از جنبه رثائی اش می‌توانیم استفاده کنیم وگرنه بیهوده است.



سبک زندگی کوثری (از ناس تانباً) لیل

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

سوره‌ی لیل با صدور قطعنامه‌ی «**إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى**» و با پیشینه‌ی سوره‌های قبل، مردان و زنان را با توجه به اعمالشان در دنیا به دو گروه بزرگ تقسیم می‌نماید: نخست کسانی که اهل **بخشش و تقوی**، و در نهایت **تصدیق حسنا** هستند که به مقام «**فَسْتَيْسِرُ الْوَيْسِرَ**» میرسند. و گروه دوم، «**مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى**» و **تکذیب حسنا** می‌باشند که ذکر بخل ایشان در سوره‌ی مسد و در تبیین آیه‌ی «**مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ** و ما کسب» بیان شده و در سوره‌های قریش، ماعون، همزه و تکوین نیز، به گونه‌های مختلف از آن یاد شده است که «**فَسْتَيْسِرُ الْوَيْسِرَ**» را رقم می‌زنند.

در سوره‌ی ضحی، راهکار عملی دور شدن از عسر قیامت در بحث مال با «**فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ، وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ**» جلوه‌گر شده است. بنابراین، می‌توان سوره‌ی لیل را حالت تفصیلی سوره‌ی ضحی دانست؛ زیرا با جامعیت بیشتری به مقولات یادشده می‌پردازد و به نوعی، شرح و گزارش سوره‌ی ضحی است. بنابراین ضحی در سوره قبل آمده تا **لیلی** را که سراسر **جهان** را در جهل فرو برده، از بین برد، و نویدهای دلگرم کننده‌ی خدایی را که بنده خاص خود را نه رها کرده و نه از یاد برده، خاطر نشان نموده، اطمینان قلبی از جنس **ضحای مهر الهی** به وی بخشد.

در سوره لیل «**إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ**» که خود به تنهایی سوره کاملی است، در سوره قبل با «**وَلَاخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ**» به **اهمیت دنیا برای دستیابی به آخرتی ارزشمند** تأکید می‌کند. و اما بازگشت **لیل** با وجود این که **بینه آمد و ضحی** دمید جای سؤال است، گویا با «**وَ أَنْحَرُ**» شدن **کوثر ولایت**، باز هم **لیل** «**إِذَا يَغْشَىٰ**» می‌گردد و این جز از «**إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى**» برنمی‌آید، که یادآور «**يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا**» است: از انسان‌هایی که در ناس و فلق **استعاده** نمودند و چون ابولهب‌ها فتنه‌گری و آتش افروزی کردند و با تکذیب دین و آزار یتیم و مسکین، جمع مال و شمارش پی‌درپی آن در خسر فرو رفتند و سر از دل مشغولی و تکوین در لهو برآوردند، با **رویکرد به مال** «**وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى**» مسیر عسر و سختی را در برابر «**الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى**» پیموندند! در واقع سوره ضحی که بیانگر نهایت لطافت و مهر الهی بر رسول رحمت صلی الله علیه و آله وسلم است، در سوره لیل با بیان «**إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى**» دو گروه بزرگ (**اتقی و اشقی**) را با **توصیف اعمالشان در دنیا و نتیجه آن در آخرت** در تأسی به ولایت و یا دوری از آن، و در نوع نگرش به مال، به نمایش می‌گذارد.

علامه طباطبائی: غرض این سوره **تهدید و انداز** است، و این هدف را از این راه دنبال می‌کند که به انسان‌ها بفهماند **مسابی و تلاش‌هایشان یک جور نیست**، بعضی از مردمند که انفاق می‌کنند، و از خدا پروا دارند، و وعده حسنا را تصدیق می‌کنند، و خدای تعالی هم در مقابل، حیاتی جاودانه و سراسر سعادت در اختیارشان می‌گذارد، و بعضی دیگرند که بخل می‌ورزند، و به خیال خود می‌خواهند بی‌نیاز شوند، و وعده حسنا را خدایی را تکذیب می‌کنند، و خدای تعالی هم آنان را به سوی عاقبت شر راه می‌برد، و در این سوره **اهتمام و عنایت خاصی** به مساله **انفاق مالی** شده است.^۲



قسمت بیست و سوم

شماره سوره: نود و دومین سوره (۲۳)

از (آخر) مکی

شرح لغات: شتّی: پر کندگی و

تشتت

یسری: آسایش و توان‌گری؛ عسری:

دشواری و تنگدستی؛

تلغی: شعله و زبانه شدید آتش.

سوره زوج: شمس

گروه: سور (واو)

محور موضوعی: تفاوت در سعی و

تلاش انسان‌ها و نتیجه آن در آخرت

و رویکرد و نگرش ایشان به مال!

تفسیر روایی: در شأن امیرالمؤمنین

که درخت نخلی را در عوض چهل

نخل خرید تا مستمندانی که آن

درخت در منزل استیجاری‌شان بود

بتوانند از خرما آن بخورند (و یا

ابودحداح)^۳. امام باقر (ع) منظور از

«**وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى**» قائم ما اهل بیت

است زمانی که ظهور فرماید.^۴

فضیلت قرائت: تمام اعضای بدنش

بر اعمال نیک او شهادت می‌دهند

و خداوند شهادت آنها را می‌پذیرد و

فرد به بهشت راهنمایی می‌شود.^۵

۱. نک: لسانی فشارکی، محمد علی، فایل صوتی سوره شمس، آرشیو در: دار القرآن

سپاه ناحیه کرج، سال ۹۵.

۲. علامه طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۰۲

۳. رک: تفسیر نمونه، سوره لیل

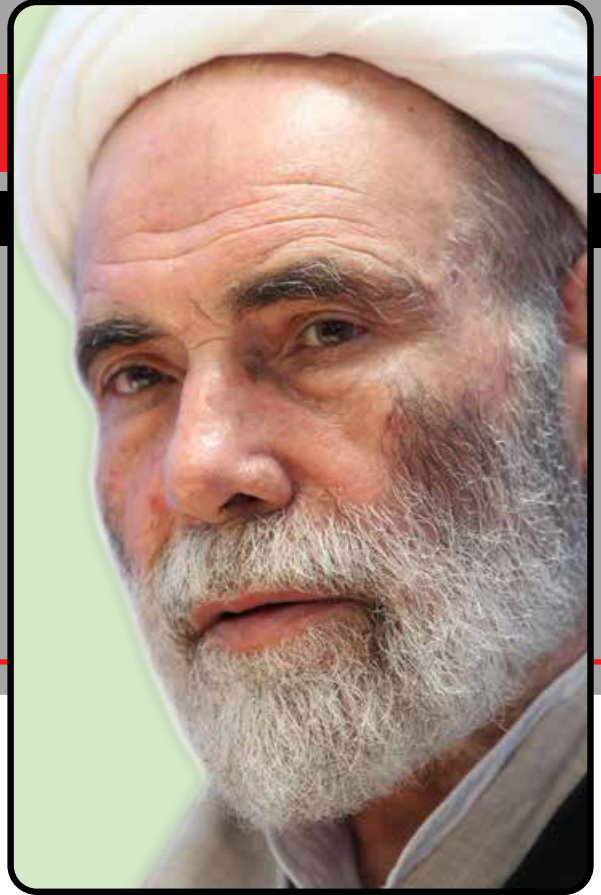
۴. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۱

۵. صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۲۳

تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت سه و ششم



گناهکاران، خود، خانواده، دوستان و همسایگان خود را به جهنم می‌برند.

بقیه روایت را می‌خوانم: «لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْعَاصِي يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَدَبَ السَّيِّئَ». بنده گناهکار همیشه روش زشت، به میراث می‌گذارد. در قسمت اول روایت «مؤمن» آمده بود، اینجا در مقابل می‌فرماید: «عاصی». یعنی آن کسی که مهار شرع سرش نمی‌شود و افسار گسیخته است. «حَتَّى يُدْخِلَهُمُ النَّارَ جَمِيعاً»، این قدر این روش بد می‌دهد و آن‌ها هم یاد می‌گیرند، که همه آن‌ها را به جهنم می‌برد. «حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا مِنْهُمْ صَغِيراً وَ لَا كَبِيراً وَ لَا خَادِماً وَ لَا جَاراً»، تا آنجا که هیچ یک از خانواده و عیال و همسایگانش را مفقود نمی‌یابد. آن قدر روی خانواده‌اش، خدمتکارش و همسایه‌اش اثر سوء و زشت می‌گذارد که همه‌شان وارد جهنم می‌شوند. در تربیت آنچه که هسته مرکزی است، رابطه تنگاتنگ است.

در تربیت نسبت خانوادگی موضوعیت ندارد

لذا ما آمدیم گفتیم اولین محیط، محیط خانوادگی است. اما چون آنکه نقش اساسی دارد مسئله رابطه است و نسب مدخلیت ندارد، باید دانست که این بحث در محیط‌های بعدی (آموزشی، شغلی، رفاقتی) هم همین عواملی را که می‌گوییم محوریت پیدا می‌کند.

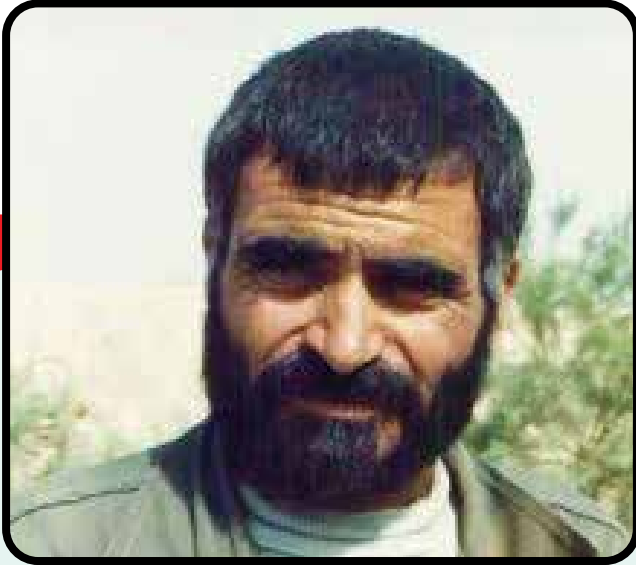
دایره تربیتی مؤمن؛ خانواده، نزدیکان و همسایه‌ها

لذا در باب تربیت آنچه می‌توان به عنوان عامل ابتدایی معرفی کرد، مسئله رابطه تنگاتنگ است که این عامل موجب می‌شود که شخص به دیگری روش بدهد و شخص دیگر از او روش بگیرد. در یک روایتی از امام صادق (علیه السلام) دارد که حضرت فرمودند: «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَ الْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعاً». مؤمن همیشه این‌گونه است که برای خانواده و اهل بیتش، علم و ادب صالح و شایسته، به میراث می‌گذارد تا اینکه آن‌ها را به بهشت می‌برد. «حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا مِنْهُمْ صَغِيراً وَ لَا كَبِيراً وَ لَا خَادِماً وَ لَا جَاراً»؛ طوری که وقتی در بهشت رفت، هیچ‌کدام از این‌ها را مفقود نمی‌بیند. همه آن‌هایی که تربیت‌شان کرده است، هستند؛ کوچک‌شان هست، بزرگ‌شان هست. بعد می‌گوید «وَ لَا خَادِماً» این را اضافه می‌گوید، حتی خدمتکاری که رابطه تنگاتنگ و روزانه با او داشت و در متن زندگی او بود نیز همراه او هست. «وَ لَا جَاراً» حتی همسایه‌های او هم، به واسطه تربیت او و ارثی که برای آن‌ها گذاشته است، در بهشت هستند.

شهید «عبدالحسین برونسی» از قاب اسوه

**آنان که وامدارشان هستیم
یعنی دین ما سنگین است، دینی به اندازه جان...**

محیا خوبرو



آن‌ها به فکر خیر و صلاح ما نیستند. عبدالحسین برای زیارت رفت مشهد و بازگشتش طول کشید. روزی نامه‌ای آمد که در آن نوشته بود من دیگر به روستا بر نمی‌گردم اگر دوست دارید همسر من را به مشهد بفرستید؛ وگرنه تمام زندگی و اموال برای شما باشد. از همان روز وسایل مان را فروختیم و عازم مشهد شدیم و طلب طلبکارها را نیز دادیم. در مشهد ابتدا رفت سر کار سبزی‌فروشی. روزی ۵۰ ریال حقوق می‌گرفت؛ روزی به من گفت این کار برای من خیلی سنگین است. من از تقسیم اراضی فرار کردم که گرفتار مال حرام نشوم، ولی اینجا از روستا بدتر است. با زن‌های بی‌حجاب سر و کار زیادی دارم و صاحب سبزی‌فروش هم، سبزی‌ها را در آب می‌ریزد تا سنگین‌تر شود. فردای آن روز در یک لبنیاتی کار پیدا کرد. در آنجا ۱۰۰ ریال حقوق می‌گرفت. پس از ۱۵ روز که آنجا کار کرد، روزی گفت می‌خواهم بروم سر گذر کار کنم، گفتم چرا؟ و عبدالحسین در جواب گفت: این یکی از کار سبزی‌فروشی حرام‌تر است. صاحب لبنیاتی کم‌فروشی می‌کند، جنس بد را با جنس خوب مخلوط می‌کند و با قیمت بالا می‌فروشد، ترازو را هم سبک می‌کشد و بدتر از این می‌خواهد من هم مانند او باشم. سه چهار روز بعد آخر شب آمد و گفت یک بنا پیدا شده و من را با خود سر کار می‌برد و روزی صد ریال حقوق می‌دهد. این نان زحمت‌کشی پاک و حلال است.

تا بعد از شهادتش هیچ‌وقت نفهمیدیم در جبهه مسئولیت مهمی دارد و فرمانده گردان عبدالله است، بسیاری از اقوام و فامیل نیز نمی‌دانستند. صدام برای سرش جایزه تعیین کرده بود، ولی هرگز تا زمان شهادتش متوجه مسئولیت مهم او نشدم. خبر عملیات بدر را که شنیدم هر لحظه منتظر تلفنش بودم. در هر عملیاتی هر وقت که امکانی بود زنگ می‌زد، خودش هم که نمی‌رسید یکی را می‌فرستاد زنگ بزند و بگوید تا این لحظه زنده هستیم. عملیات تمام شد. امروز و فردا کردم که تلفن بزند، ولی بالاخره خبرش آمد. به آرزوی رسید؛ آرزویی که بابتش زجرها کشیدم. مفقودالاجسد شد. همان چیزی که همیشه از خدا می‌خواست. حتی وصیت کرده بود روی قبرش سنگ نگذارند مانند قبر فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بی‌نام و نشان.»

بدن مطهر ایشان در سال‌های اخیر پیدا و در مشهد مقدس تشییع شده است.

«در ابتدا توجه شما را به تعریف علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت‌الله‌علیه) از کلمه «سیره» جلب می‌کنم. سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری‌ها و عمل کردن‌ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است. سؤالی که باید باید باید از خود پرسیم اینکه چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟ آیا چون فقط زیباست و با فطرت ما هماهنگ است؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟ آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می‌فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» بحث الگو و اسوه‌داشتن فقط برای مواردی که برشمرده‌ایم نیست. یک کلام؛ برای عمل کردن مطابق آن سبکی است که از آن الگو یاد گرفته‌ایم.

شهید «عبدالحسین برونسی» در سوم شهریورماه ۱۳۲۱ در روستای گلبوی کدکن از توابع شهرستان تربت حیدریه به دنیا آمد. پدرش حسین‌علی و مادرش فضا نام داشت. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند. ابتدا به کشاورزی و سپس به بنایی پرداخت. در سال ۱۳۴۷ با «معصومه سبک‌خیز» ازدواج و صاحب پنج پسر و سه دختر شد.

او که پس از پیروزی انقلاب به صورت افتخاری به سپاه پاسداران پیوسته بود با آغاز درگیری‌های کردستان به پاوه رفت و با شروع جنگ تحمیلی در شمار نخستین کسانی بود که خود را به جبهه‌های نبرد رساند.

با آنکه این شهید و الامقام روستازاده‌ای در نهایت ساده‌زیستی بود، اما اخلاص و معنویت او مثال‌زدنی و راهگشای برخی گره‌های کور در عملیات‌های جنگی بود که بعدها او را بیشتر به اهل زمین شناساند.

با این حال همسرشان این‌طور از ایشان نقل می‌کند: «اگر بگویم اصل مبارزه عبدالحسین به علت آمدن به مشهد بود، بیراه نیست. آن وقت‌ها یک پسر داشتیم که نامش حسن بود، زمان تقسیم اراضی توسط رژیم شاه بود، همه اهالی روستا خوشحال بودند، ولی عبدالحسین از همان لحظه اول ناراحت بود، گفتم چرا بعضی‌ها خوشحال هستند و شما ناراحت؟ جواب درستی نداد. فقط گفت همه چیز خراب می‌شود، همه چیز را می‌خواهند نجس کنند، این زمین‌ها مال یتیم و صغیر است. کم کم می‌فهمیدم چرا گرفتن زمین را قبول نمی‌کرد، روزی به من گفت چیزی را که طاغوت بده، نجس است و من هم به چنین چیز نجسی نیاز ندارم.

شست و شوی دست

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: شست و شوی دست پیش از غذا فقر را دور می کند و پس از غذا غم را بزاید و دیده را بهبود بخشد.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: صاحبخانه پیش از غذا قبل از همه و پس از غذا بعد از همه دستان خود را می شوید.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هر کس پیش و پس از غذا دستانش را بشوید در گشایش و سلامتی زندگی می کند و می فرماید: هرگاه امام صادق (علیه السلام) به ویژه نان و گوشت می خورد، دستانش را به خوبی می شست. سپس مانده آب دستانش را به صورت می کشید.

می‌گویند چرا ماتم و گریه و اشک را در بین مردم رواج می‌دهید؟

با ضایع کردن عزاداری است. عزاداری امام حسین را نباید ضایع کرد. منبر حسینی، مجلس حسینی، محل بیان حقایق دینی، یعنی حقایق حسینی است. شعر در این جهت، حرکت در این جهت، نوحه و مدیحه در این جهت باید باشد. شما دیدید در آن محرم سال ۵۷، دستجات سینه‌زنی ما در بعضی از شهرستان‌ها مثل یزد و شیراز و جاهای دیگر شروع شد و بعد هم گسترش پیدا کرد به همه‌ی کشور؛ سینه می‌زدند و حقایق روز را در نوحه‌های خودشان بیان می‌کردند؛ با ارتباط دادن و اتصال دادن این‌ها به ماجرای عاشورا، که درست هم هست.

مرحوم شهید مطهری سالها قبل از انقلاب در این حسینیه ارشاد فریاد می‌کشید که: **والله - قریب به این مضمون - بدانید شمر، امروز - اسم نخست‌وزیر آن روز اسرائیل (صهیونیست) را می‌آورد - اوست. واقع قضیه هم همین است. ما شمر را لعنت می‌کنیم، برای اینکه ریشه شمر شدن و شماری عمل کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبیدالله را لعنت می‌کنیم، برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم. حسین بن علی قیامش برای این بود که بینی حاکمیت‌های علیه ارزش‌های اسلامی و انسانی و الهی را به خاک بمالد و نابود کند؛ و همین کار را هم امام حسین با قیام خود کرد.**

مجالس ما؛ مجالس حسینی، یعنی مجالس ضد ظلم، مجالس ضد سلطه، مجالس ضد شمرها و یزیدها و ابن‌زاده‌های زمان موجود، زمان حاضر، معنایش این است. این استمرار ماجرای امام حسین است.

می‌گویند چرا ماتم و گریه و اشک را در بین مردم رواج می‌دهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم و اشک نیست، برای ارزش‌هاست. آنچه پشت سر این عزاداری‌ها، بر سر و سینه زدن‌ها، اشک ریختن‌ها وجود دارد، عزیزترین چیزهایی است که در گنجینه بشریت ممکن است وجود داشته باشد؛ او همان ارزش‌های معنوی الهی است. این‌ها را می‌خواهند نگه دارند که حسین بن علی مظهر این ارزش‌ها بود. یاد آن‌هاست؛ زنده‌نگهداشتن آن‌هاست.

و ملت اسلام اگر نام حسین را و یاد حسین را زنده نگه بدارد و آن را الگو قرار بدهد برای خود، از همه موانع و مشکلات عبور خواهد کرد. لذاست که ما در انقلاب اسلامی، در نظام جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، همه - مردم، مسئولین، بزرگان، شخص امام بزرگوار ما - بر روی مسئله امام حسین و مسئله عاشورا و همین عزاداری‌های مردمی، تکیه کردند و جا دارد. این عزاداری‌ها جنبه نمادین دارد، جنبه حقیقی هم دارد؛ دل‌ها را نزدیک می‌کند، معارف را روشن می‌کند.

البته گویندگان، وعاظ، مداحان، سراینندگان، همه باید توجه داشته باشند که این یک حقیقت عزیز است؛ با آن نبایست بازی کرد؛ حقایق ماجرای عاشورا را بازیچه نباید قرار داد. هر کسی یک چیزی به آن اضافه بکند، خرافه‌ای را به آن وصل بکند، کارهای غیرمعقول را به نام عزاداری انجام بدهد، این‌ها نباید باشد؛ این‌ها طرفداری از امام حسین نیست. یک وقتی ما راجع به مسئله تظاهرات قمه، مطلبی را گفتیم، یک عده‌ای گوشه کنار صداشان بلند شد که آقا! این عزاداری امام حسین است؛ مخالفت نشود با عزاداری امام حسین! این، مخالفت با عزاداری نیست؛ مخالفت

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۳۸۶





سیاست کناره‌گیری و سکوت

با توجه به شهادت بسیاری از شیعیان مخلص در واقعه جانگداز کربلا و اختناق شدیدی که در اثر این فاجعه ایجاد شده بود، زمینه برای فعالیت آشکار امام (علیه السلام) از بین رفته و در نتیجه، کسی جرئت تماس گرفتن با امام (علیه السلام) به عنوان بازمانده اهل بیت (علیهم السلام) را نداشت. بنابراین، امام (علیه السلام) چاره‌ای جز تغییر روش نداشتند. از این رو، در بقیه دوره حکومت یزید، امام (علیه السلام) از مردم کناره گرفتند و حتی بنا بر بعضی نقل‌ها، در خارج از شهر مدینه، زیر خیمه و چادر زندگی می‌کردند. امام باقر (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «پدرم علی بن الحسین (علیه السلام) پس از کشته شدن پدرش، حسین بن علی (علیه السلام)، چندین سال در بادیه و چادر زندگی کرد؛ زیرا امام (علیه السلام) ملاقات با مردم و رفت و آمد با آنان را خوش نداشت. وی از همان بادیه، برای زیارت مرقد جد و پدرش (علیه السلام) به عراق می‌رفت و کسی متوجه رفتار او نمی‌شد.»

امام (علیه السلام) با توجه به وصیت جدشان که از ناحیه خدا رسیده بود، کناره‌گیری را اختیار کردند؛ چنان که بنا بر نقل امام صادق (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام) وقتی عهده‌دار امامت شدند، مهر از وصیت جدشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) برداشتند و دیدند در آن، به او خطاب شده است: ای علی، (وقتی عهده‌دار امامت شدی) چشم از خلق پیوش و ساکت باش.

کناره‌گیری امام سجاد (علیه السلام) از اجتماع آن روز، کاری کاملاً مطابق با مصلحت زمان بود؛ چرا که حاکمان اموی در پی نابودی رکن مهم دین - یعنی عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله) - بودند و این هدف را با کشتن امام حسین (علیه السلام) و یاران باوفایش و اسیر کردن خاندان آن حضرت به مرحله اجرا گذاشتند. پس از آن‌ها نوبت امام سجاد (علیه السلام)، تنها بازمانده عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و در آن زمان، در تمام کوره خاک، کسی دیگر نبود که ادعا کند فرزند حسین بن علی (علیه السلام) و از اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و شایسته امامت است. این تنها بازمانده نیز ناشناخته بود و بدون حامی و یاور و در معرض اتهام مخالفت با نظام حاکم. حکومت او را به شدت زیر نظر داشت و منتظر بهانه‌ای بود تا او را از میان بردارد و شیعه را بی‌امام کند. بنابراین، لازم بود امام (علیه السلام) برای حفظ خود، که واسطه فیض و هدایت بود، گام بردارد. بدین دلیل، چند سال از اجتماع مردم کناره گرفتند و ارتباطشان را بسیار محدود کردند تا حکومت نسبت به ایشان اطمینان پیدا کند و زمینه برای فعالیت‌شان فراهم آید.

مهم‌ترین اصل دینی، که امام (علیه السلام) با استفاده از آن، خود و شیعیان‌شان را از گزند اقدامات سرکوب‌گرانه امویان محفوظ نگه داشتند، «تقیه» بود؛ سپری که هستی و دوام زندگی شیعه را در طول تاریخ تضمین کرده و ائمه اطهار (علیهم السلام) بارها رعایت دقیق و توجه جدی به آن را به پیروان خود سفارش کرده‌اند.

در خبری از امام سجاد (علیه السلام) چنین وارد شده است: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، همانند کسی است که قرآن را کنار نهاده و پشت به آن کرده باشد، مگر کسی که در حال تقیه باشد. پرسیدند: «تقیه» چیست؟ فرمودند آن است که انسان از ستمگر ستیزه‌گری به دلیل تجاوز یا ستمگری‌اش بترسد.



چه خوب آن لحظه آخر

محیا خوبرو

کلام اول ما شماييد و چه خوب آن لحظه آخر...

که آن زمزمه آخر هم نام شما باشد...

نمی خواهم شیرینی نام شما بردن را کم کنم،

اما مولا جان، ما شیعیان شما در دل غمی داریم مگو، از غیبت تان...

ما شیعیان شما طی قرن ها، طعم تلخ ندیدن شما را چشیده ایم...

گرچه دنیا ملحوف رنج از دست دادن است، اما تنها دلخوشی تمام

از دست دادن های زمینی، مصلحت عادلانه و مهربانانه آن است...

و این مصلحت عادلانه و مهربانگیز، رسیدن به خیمه سبز شماست.

حضور شما می ارزد که شیعیان در کوره رنج دنیا آبدیده شود...

باید رشد کرد...

باید به شما رسید...

باید شما را از غیبت در آوریم...

مجله سخن سرو و آلاله حسین درام حسین

هیئت شهدای مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران
با رعایت پروتکل های بهداشتی به مدت ۱۴ روز اقامه عزای می نماید

سخنران

حجت الاسلام سید حنیف رضا زاده

مداحی

توسط ذاکرین اهل بیت علیهم السلام

زمان: از روز شنبه ۸ مرداد الی جمعه ۲۱ مرداد ماه ۱۴۰۱

شما هم دعوتید

مکان: چهارراه لشکر، خیابان شهید معیری، نبش کوچه بنکدار
دبستان دخترانه پیام آزادی ۰۲۱۵۵۳۹۰۱۲۰ www.osveh.org



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

مدیر هنری: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.nokavedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین تر از چهارراه لشکر - روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵